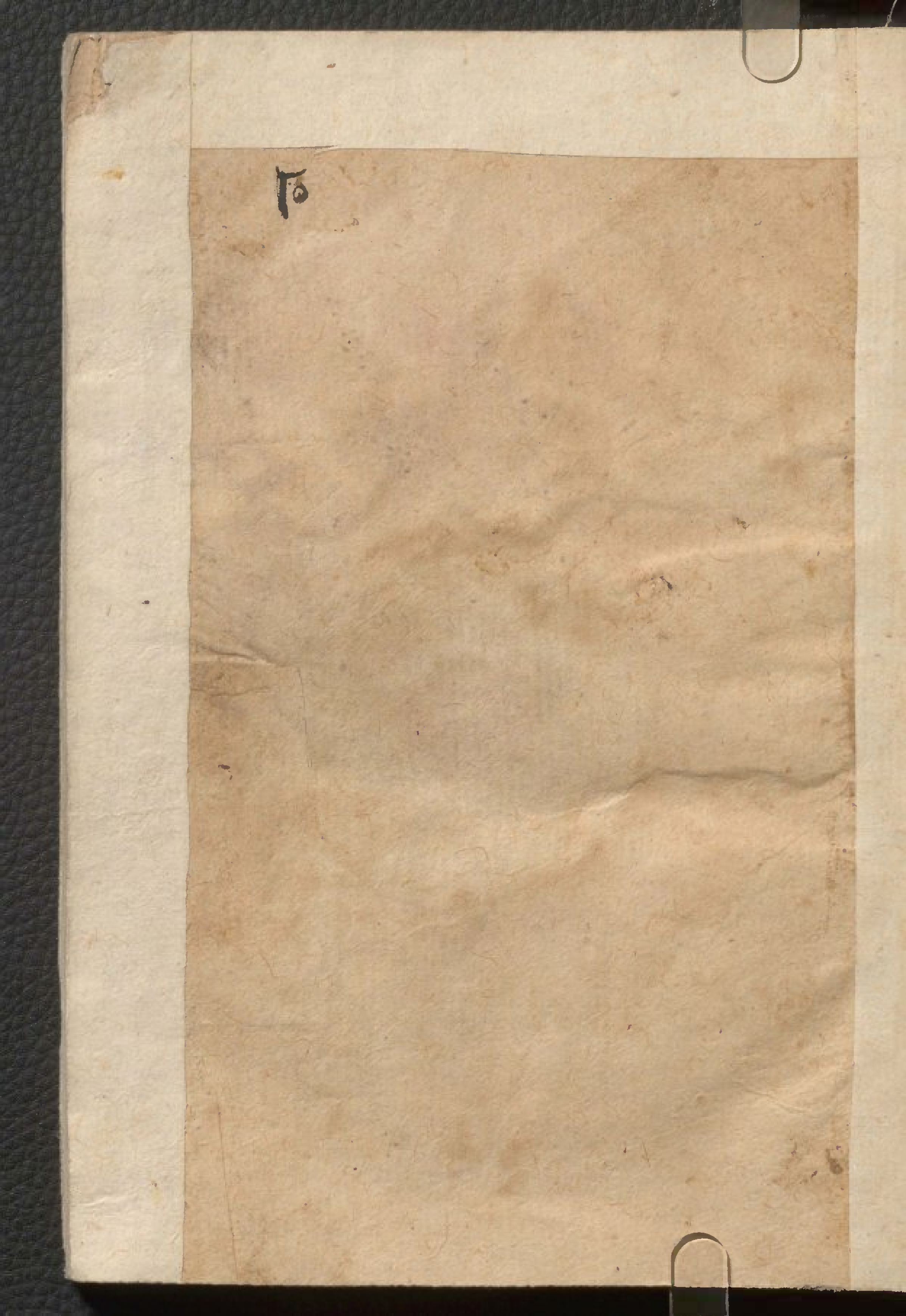



إليه يرد علم الساعة
بوی باز گردانیده شود دانش قیامت
وما تخرج من ثمرات
و نه برون آید ... میوها
من أكمامها وما
از غلافهاآن و نه
محمد



تحمل من انثى

بارنی دارد هیچ ماده

ولا تضع الا بعلمه

ونه نهد مگر بدانش او

ويوم يناديهم اين

وانروز که خواند ایشانرا کجااند

شركائي قالوا آذناك

انبازان من گويند ا كرديم ترا

ما منا من شهيد ٭ وضل

از ما از گواهي وگم شد

عنهم ما كانوا يدعون من

از ايشان آنچ بودند خواندند از

قبل وظنوا ما لهم من محيص

پيش و بي دانستند نيست مر ايشانرا هيچ گريزگاهي

لا يسأم الانسان من دعاء

ستوه آيد مردم يعني كافر از خواندن

الخير وان مسه الش

نيكي واگر بساودش بدي

فيؤس قنوط ٭ ولئن اذقناه

واگر بچشانيم ارا

رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ

بخشایشی ازما از پس گزندی

مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا

بسودش اورا هرآینه گوید هرآینه این سزاست مرا

أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ

گمان برم قیامت را ایستاده یعنی خواهد بود و باز

رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ

بازگردانیده شوم سوی پروردگار خود درستی

لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ

مراست نزد او جای نیکوتر هرآینه آگاه کنیم

الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ

آنان که کافر شدند بدانچه کردند و هرآینه بچشانیم شان

مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ وَإِذَا

از عذاب درشت

و چون

أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ

نيكوئي كنيم بر آدمي روي بگرداند

وَنَا بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ

ودور شد آفلند خود را يا كرده ... وچون رسدش بدي

فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ قُلْ

بس او خواننده بسيار دايم بود بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ

خبر دهيد مرا اگر باشد از

عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ

نزد خداي باز كافر آيد بوي

مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي

كيست گمراه تر از آنكه او در

شِقَاقٍ بَعِيدٍ سَنُرِيهِمْ

خلاف است دور ستاز راه زود بود كه نماييم ايشانرا

آياتنا

آياتنا في الآفاق وفي
نشانهاء ما در كرانهاء جهان ودر
أنفسهم حتى يتبين لهم
تنهاء شان تا پيدا شود مر ايشانرا
أنه الحق أولم يكف
هراينه او راستست او نه
بربك أنه على كل
پروردگار تو هراينه او بر هر
شيء شهيد ألا إنهم في
چيزی گواه راستست بدانكه هراينه ايشان در
مرية من لقاء ربهم
در شكی اند از ديدار پروردگارشان
ألا إنه بكل شيء محيط
بدانكه هراينه وی بهر چيزی داناست



سورة حم عسق طيبة خمـ ايات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بخشاينده مهربان خداي

حٰمٓ عٓسٓقٓ كَذٰلِكَ يُوْحِيْ

وحي ميكند همچنانت حق حكم وجود وعلم وسنا وقدرة من

اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِيْنَ مِنْ

سوي تو وسوي آنانكه از

قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

پيش از تو خدايه بي همتا صواب كار

لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا

مراوراست آنچ در آسمانها و آنچ

فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ

در زمين واوست بزرگ همه

العظـ

الْعَظِيمُ ۞ تَكَادُ السَّمَوَاتُ

بزرگ ميخواهند اسمانها

يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ

شكافته شوند از زبر ايشان

وَالْمَلَآئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ

وفريشتگان باكي صفت ميكنند بستايش

رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ

پروردگارشان وآمرزش ميخواهند مرانانرا

فِي الْأَرْضِ أَلَآ إِنَّ

در زمين اند بدان هواينه

اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۞

خداي اوست آمرزنده ونخشاينده

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

انانك گرفتند از جز وي

أَوْلِيَاءَ اللّٰهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ

دوستان خداي نگاهبانست برايشان

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝

ونه تو برايشان نگاهبان

وَكَذٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا

وهمچنانك وحي فرستاديم ما سوي تو قرآني

عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ

تازي زبان تا بيم كني اهل مكه را وآنانرا

حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا

گرد بر گرد وي اند وبيم كني از روز قيامت كه نه

رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ

هيچ شك درو گروهي در بهشت

وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۝ وَلَوْ

وگروهي در دوزخ واگر خواهد

شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً

خدای کردی ایشان گروهی یگانه

وَلٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَآءُ

وجز آنک درآرد آنرا که خواهد

فِي رَحْمَتِهٖ وَالظّٰلِمُوْنَ

در بخشایش خود وستمکاران

مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيْرٍ

نیست مرایشانرا از دوستی ونه یاریگری

اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اَوْلِيَآءَ

یا گرفتند از هیچ دوستی

فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِ

پس خدای اوست دوست و وی زنده کند

الْمَوْتٰى وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

مردکان را و وی بر هر چیزی

ع

قدير وما اختلفتم فيه من

توانا ست و هرچه خلاف کردید شما درو از

شيء فحكمه إلى الله ذلكم

چیزی بس داوری وی سوی خدای آنان

الله ربي عليه توكلت

خدای پروردگار برو اعتماد کردم

وإليه أنيب فاطر السماوات

وسوی او بازمی گردم آفریننده آسمانها

والأرض جعل لكم من

و زمین کرد مر شمارا از

أنفسكم أزواجا ومن الأنعام

تنها شما جفتان و از چهارپایان

أزواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله

جفت جفت می آفریند تان درو نیست همچو وی

شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

چیزی واوست شنوا وبینا

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

مراورا کلیدها آسمانها وزمین

يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

فراخ کند روزی را مرانانرا خواهد

وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وتنگ کند مرانانرا که خواهد که او بهر چیزی داناست

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا

پدید کرد مر شما را از کیش آنچ

وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي

اندرز کرد بدو نوح را وانک

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا

وحی فرستادیم سوی تو وآنچ اندرز کردیم

بِهِ اِبْرَاهِيمَ وَمُوسَيٰ وَعِيسَيٰ
بدو ابراهیم وموسی وعیسی را

اَنْ اَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا
که بپای دارید کیش را ونه پراکنده شوید

فِيهِ كَبُرَ عَلَي الْمُشْرِكِينَ
درو بزرگ نمود بر انبازگویان

مَا تَدْعُوهُمْ اِلَيْهِ اللّٰهُ يَجْتَبِيٓ
آنچ خواندی شان را سوی وی خدای برگزیند

اِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِيٓ
بوی ازراه خواهد وراه نماید

اِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ وَمَا تَفَرَّقُوا
بوی آنرا بازگردد بوی ونه پراکنده شدند

اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ
مگر از پس آنچ آمد بایشان دانش

بغیا

بَغْيًا بَيْنَهُمْ ط وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ

از بهر ستم میان شان . واگر نه کلمه بودی که پیش رفت

مِنْ رَبِّكَ اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى

از پروردگار تو سوی تا زمانی نام برده

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّ الَّذِيْنَ اُوْرِثُوا

هر اینه حکم کرده شدی میان ایشان و هر اینه آنانکه میراث داده شدند

الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِيْ

نامه از پس ایشان هر اینه

شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيْبٍ فَلِذٰلِكَ

گمانی اند ازو بشک آرنده پس از بهر آنست

فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا اُمِرْتَ

پس بخوان و راست باش چنانچه فرموده شده

وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ اٰمَنْتُ

پس پیروی مکن کام دل ایشان و بگو گرویدم

بِمَا أَنْزَلَ اللهُ مِنْ كِتَابٍ

بآنچ فرو فرستاد خدای از نامه

وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللهُ

و فرموده شدم تا داد کنم میان شما خدای

رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ

پروردگار ما و پروردگار شما مارا کارهاء ما و مر شمارا است

أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ

کارهاء شما نه هیچ حجتی بود میان ما و میان شما

اللهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

خدای گرد کند میان ما و بوی است بازگشت

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللهِ

و آنانک حجت میگویند در خدای

مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ

از پس آنچ پاسخ داده شد مر اورا

حجتهم

حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ

حجت شان باطل شده است نزد پروردگارشان

وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ

وبر ایشان خشمی ومر ایشان را شکنجه

شَدِيدٌ اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ

سخت است خدایی آنک فرو فرستاد

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ط

نامه را براستی وترازو

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

وچه دانا کرد ترا مگر قیامت

قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ

نزدیک بود شتاب میخواهند بدان آنانک

لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ

نه گروند بدان وآنانک

آمنوا مشفقون منها ويعلمون

گرويدند ترسانند از آن وميدانند

أنها الحق ألا إن الذين

كه هر اينه وي راستست بدان كه هر اينه آنانكه

يمارون في الساعة لفي

بگمان مي شوند در قيامت هر اينه در

ضلال بعيد الله لطيف

گمراهي دورند خداي دوربين

بعباده يرزق من يشاء

ببندگان خود روزي دهد انراكه خواهد

وهو القوي العزيز من

واوست توانا بي همتا هركه

كان يريد حرث الآخرة

بي خواهد كشت آن جهان

نزولد

نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ

وهرکه کشت او در افزودکنیم مراو را

كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا

بود خواهد کشت این جهان

نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ

دهیمش ازوی و نیست مراورا در آن جهان

مِنْ نَصِيبٍ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ

هیچ بهره یا مرایشانرا انبازان

شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ

بنیاد کردند مرایشانرا از کیش

مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا

آنچ نه دستوری دادبدو خدای واگر نه

كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

وعده بداوری رانده گشتی کار میان ایشان

وَاِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ

و هر آینه ستمکاران مر ایشان را شکنجه

اَلِيمٌ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ

دردناک بینی ستمکاران را ترسان

مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ

از آنچ ورزیدند و آن فرود آینده است بدیشان و آنانک

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

گرویدند و کردند کارهای نیک

فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ

در مرغزارها بهشتها باشند مر ایشان

مَا يَشَاؤُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ

آنچ خواهند نزد پروردگار ایشان آنست

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ذَلِكَ

وی افزونی بزرگ آنست

الذي

ٱلَّذِي يُبَشِّرُ ٱللَّهُ عِبَادَهُ

آنك مژده ميدهد خداي بندكان خودرا

ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

آنانك كرويدند وكردند

ٱلصَّالِحَاتِ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ

نيكيها بكو نه مى خواهم

عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا ٱلْمَوَدَّةَ

بروي هيچ مزدي مكر دوستي

فِي ٱلْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ

در خويشاوندان وهركه كسب كند

حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا

نيكي افزودنكنيم مراورا دران نيكويي

إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ أَمْ

هرآينه خداي امرزكار پاداش دهنده است

يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ

ميكويند برفات بر خداي

كَذِبًا فَإِن يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ

دروغي بس اكر خواهد خداي مهر كند

عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ

بر دلتو ونا بديد كند خداي نادرست را

وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ

وثابت كند درستي را به سخنان وي هر اينه وي

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ وَهُوَ

داناست برازها سينها واو

الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ

آنستا كه مي بپذيرد بازكشتن از كناه از بندكان خود

وَيَعْفُوا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ

و در ميكذرد از بديها وبداند

ما

مَا تَفْعَلُونَ ۝ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ

آنچ میکنید و پاسخ میکند انانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

کرویدند و کردند نیکیها

وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ

و افزون کند شان از فضل خود و ناگرویدگان

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ وَلَوْ

مر ایشان را شکنجه سخت و اگر

بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ

فراخ کرداند خدای روزی مر بندگان خود را

لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ

هر اینه ستم کنند در زمین و لکن

يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ

فرو فرستد باندازه آنچ خواهد هر اینه وی بندگان خود

خَبِيرٌ بَصِيرٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي

آگاه بینا واوست آنکه

يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ

فرو فرستاد باران از پس

مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ

آنچ نومید شدند بخشایش خود را

وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَمِنْ

واو دوستدار ستوده واز

آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

نشانها وی — آفریدن آسمانها وزمین

وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ

وآنچ پراکنده کرد درایشان از جنبنده

وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ

واو بر گرد آوردن شان چون خواهد

قدير

ربع

قدير ۝ وما أصابكم من

توانا است وآنچ رسد شمارا از

مصيبة فبما كسبت أيديكم

رسیدنی پس بآنست که ورزید دستهای شما

ويعفوا عن كثير ۝ وما أنتم

ودر میگذرد از بسیاری گناه ونه اید شما

بمعجزين في الأرض وما

عاجز کنندگان در زمین ونیست

لكم من دون الله

مرشمارا از جز خدای

من ولي ولا نصير ۝

از دوستی ونه یاریگران

ومن آياته الجوار في

واز نشانها وی است کشتیها در

الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ إِنْ يَشَأْ
دریا همچو کوهها اگر خواهد
يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ
بیارامانَد بادرا پس شوند ایستادگان
عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
بر پشت او هر اینه در آن
لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
نشانها مرهر شکیبایی سپاس دارنده
أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ
یا هلاک کند شانرا بانچه ورزیدند ودرگذارد
عَنْ كَثِيرٍ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ
از بسیاری ومیداند آنانکه
يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ
پیکار کنند در آیتها ما آنچ مرایشانرا

من

مِّن مَّحِيصٍ ۝ فَمَآ أُوتِيتُم

هيچ گريزگاهي پس آنچ داده شديد شما

مِّن شَيْءٍ فَمَتَٰعُ الْحَيَوٰةِ

از چيزي پس برخورداري زندگاني

الدُّنْيَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ

اين جهان وآنچ نزد خداي بهتر است

وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ

وپاينده‌تر مر آنانرا كه گرويدند وبر

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ وَالَّذِينَ

پروردگار شان اعتماد كنند وآنانك

يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَٰحِشَ

دوري مي شوند از بزرگيها بزه وگناهان بزرگ

وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

وچون خشم آيد ايشانرا ايشان در گذارند

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ

وآنانکه پاسخ کنند مر پروردگارشان

وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ

و بپای داشتند نماز را وکار شان بمشورت کردن است

بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

میان شان وازانچه روزی دادیم شان را هزینه میکنند

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ

وآنانکه چون رسید شان را ستم

هُمْ يَنتَصِرُونَ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ

ایشان داد ستانند یعنی انتقام کشند از ظلم وبپاداش بدی

سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ

بدی است مانند وی پس هرکه درگذارد ونیکو کند

فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

پس مزد او بر خدای وی هر آینه نه دوست دارد

الظالمين

الظالمين ولمن انتصر

ستمکاران را وهر اینه هرکه داد ستاند

بعد ظلمه فاولئک ما علیهم

پس ستم وی پس این گروه نیست بر ایشان

من سبیل انما السبیل

از راهی هر اینه راه

علی الذین یظلمون

بر انانک ستم میکنند

الناس ویبغون فی الارض

مردمان وبی دادی میکنند در زمین

بغیر الحق اولئک لهم عذاب

بنا حق این گروه مرایشانراست عذاب

الیم ولمن صبر وغفر

دردناکی وهر اینه هرکه صبر کرد و درگذشت

إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ

هرآينه آنت از استواري

الْأُمُورِ ۞ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ

كارهاست وهركه گمراه كندش خداي

فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ

پس نيست مرا او را هيچ دوستي از پس او

وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا

وبيني ستمكارانرا چون ببينند

الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ

شكنجه را گويند هست سوي

مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ۞ وَتَرَاهُمْ

بازگردانيدن از راهي وبيني ايشانرا

يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ

عرضه كرده شوند بران فروتنان

ع

مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ

از خواري مي نگرند از

طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ

گوشه چشم پوشیده وگفتند آنانکه

آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ

گرویدند هر آینه زیانکاران

الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

آنانرا که زیان کردند بر تنهاء شان

وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا

وکسهاء شانرا در روز قیامت بدانکه

إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ

ستمکاران در شکنجه

مُقِيمٍ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ

پیوسته پاینده ونه بود مر ایشانرا از

أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ

دوستان یاری کنند شان از جز

اللَّهِ ط وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا

خدای وهرکه گمراه کند شی خدای پس نیست

لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ۝ اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ

مراورا از راه پاسخ کنید مرخدای تان

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ

از پیش آنک آید

يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ

آن روزه نیست بازگردانید مراورا از خدای

مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ

نیست مر شما را از پناهی آن روز

وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ۝ فَإِنْ

ونیست مر شما را هیچ گردانیدنی پس اگر

اعرضوا

أَعْرَضُوا فَمَآ أَرْسَلْنَاكَ

روي كردانند پس نه فرستاديم ترا

عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ

برايشان نگاهبان نيست بر

إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا

مگر رسانيدن و ما چون چشانيم

الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ

آدمي را از ما بخشايش شاد شود

بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا

بوي واگر برسد شان را بدي به آنچ

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ

پيش فرستادند دستهاشان پس هر آينه مردم

كَفُورٌ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ

نسپاس است مر خداي راست پادشاهي آسمانها

وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

وزمين مي آفريند آنچ ميخواهد

يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ

بخشد مر آنرا كه خواهد ماده كان و بخشد

لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ

مر آنرا كه خواهد نران يا جفت دهد شان

ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ

نران و ماده كان و كند آنرا

يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

خواهد نازاينده هر اينه او دانا و توانا

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ

ونه بود مر آدمي را كه سخن گويد با او

اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ

خداي مگر الهام يا از پس

حجاب

18

حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا

پرده یا فرستد فرستاده

فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ

پس پیغام دهد باذن او انچ خواهد او

عَلِيٌّ حَكِيمٌ وَكَذَلِكَ

باند استوار کارست و همچنانک

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ

وحی فرستادیم سوی تو قرانرا از

أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا

فرمان ما نه می دانستی چیست

الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ

نامه ونه گرویدن ولیکن

جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ

گردانیدیم اورا روشنائی راه نماییم بدو

مَن نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا وَاِنَّكَ
آنرا خواهیم از بندگان ما و هرآینه تو
لَتَهْدِي اِلَی صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ
راه نمایی سوی راه راست
صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي
راه خدای آنکه مراورا است آنچ در
السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ
آسمانها و آنچ در زمین
اَلَا اِلَی اللّٰهِ تَصِيرُ الْاُمُورُ
بدان سوی خدای باز گردد کارها

ع

سورة الزخرفية تسع وثمانون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى مهربان بخشاينده

حم والكتاب المبين انا

تقدير كرده ايم بوده است وبحق نامه پيدا كننده بدرستيكه ما

جعلناه قرآنا عربيا لعلكم

كردانيدن قران تازى زبان تامكر شما

تعقلون وانه في ام الكتاب

دريابيد معانى وى را وكردانيد وبدرستى كه وى در لوح محفوظ

لدينا لعلي حكيم افنضرب

نزد ما هر آينه بلند واستوار سخن او بس كردانيديم

عنكم الذكر صفحا ان كنتم

از شما پند را كردانيد كه شما

قوما مسرفين وكم ارسلنا

كروهى كزاف كارانيد وچند فرستاديم

مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ

از هیچ پیغامبری در پیشینیان

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا

ونه آمد شان را از هیچ پیغامبری مگر بودند

بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ

بوی فسوس کردند بس هلاک کردیم ما سخت تر

مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ

از ایشان بگرفتن وگذشت مانند

الْأَوَّلِينَ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ

پیشینیان واگر بپرسی تو ایشان را که

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

آفرید آسمانها وزمین را

لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

هر آینه گویند آفرید شان ارجمند با هم دانا

الذي

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
آنك كرد مر شمارا زمين را
مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا
آرام گاهي وبكرد مر شمارا دران راهها
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَالَّذِي
تا كه شما راه بربيد شهرها، وآنك
نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ
فرو فرستاد از آسمان آب باندازه
فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ
پس زنده كرديم بدو زميني مرده همچنانك
تُخْرَجُونَ ۝ وَالَّذِي خَلَقَ
بيرون آورده شويد وآنك آفريد
الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ
جفتها را همه آن وبكرديم مر شمارا

مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا

از کشتی وچهار پایان آنچ

تَرْكَبُونَ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ

برنشینید تا راست شوید بر پشتهاء وی

ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا

یاد باز کنید نعمت پروردگارتان چون

اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ

راست شوید بروی وگوئید پاکست

الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا

آنک رام کرد مارا این ونه بودیم

لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا

مراورا توانایان وهر اینه ما سوی پروردگار ما

لَمُنْقَلِبُونَ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ

باز گردیدگانیم وکردند مراورا از

21

ع

عِبَادِهِ جُزْءًا اِنَّ الْاِنْسَانَ

بندکان وی بهره هر اینه مردم

لَكَفُورٌ مُبِينٌ ۝ اَمِ اتَّخَذَ مِمَّا

نیک ناسپاس بیدا است یا گرفت از انچ

يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَاَصْفٰيكُمْ

می آفریند دختران و برگزیند شما را

بِالْبَنِينَ ۝ وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ

بپسران وچون مژده داده شود یکی از ایشان

بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا

بانچ زد مرخدای را داستانی

ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝

گردد روی وی سیاه واو خشمناک بو

اَوَمَنْ يُنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ

یا آنک مرباید شود در پیرایها واو

فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۝ وَجَعَلُوا

در كاري جز پيدا وكردند

الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ

فريشتگان را انانك ايشان بندگان خداوند

إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ

مادگان او حاضر نشدند آفريدن شانرا زود بود نبشته شود

شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ۝ وَقَالُوا

گواهي شان وبرسيد شوند وگفتند

لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ

اگر خواستي خداي نه پرستيدمي ايشانرا

مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ

نيست ايشانرا بدان از دانشي نيستند ايشا

إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا

بلكه گروهي دروغ ميگويند يا داديم ماشانرا نامه

من

مِّنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ
از پیش وی پس ایشان بدو چنگ درزنندگانند
بَلْ قَالُوٓا اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰى
نه چه گفتند که ما یافتیم پدران مارا
اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰى اٰثٰرِهِمْ مُّهْتَدُونَ
کیشی و هرآینه ما بر پیهاشان راه یابندگانیم
وَكَذٰلِكَ مَآ اَرْسَلْنَا مِنْ
و همچنانت نه فرستادیم ما از
قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ
پیش تو در دهی هیچ بیم کننده
اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ اِنَّا وَجَدْنَا
مگر گفتند نازپروردگان و توانگران که ما یافتیم ما
اٰبَآءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰى اٰثٰرِهِمْ
پدران مارا بر کیشی و هرآینه ما بر پیهاشان

قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ كَافِرُونَ انا به

گفتند اين جاديست وهراينه ما بدو ناگرويدگانيم

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ

وگفتند چرا فرو فرستاده اين قرآن

عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ

نشد

بر مردي از دو ديه

عَظِيمٍ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ

بزرگ او ايشان بخش ميكنند بخشايش

رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ

خداي تو ما بخش كرديم ميان ايشان ازآنچه باو زيند

فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا

در زندگاني اين جهان وبرداورديم

بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ

بهره ايشان زبر بهره بايگاهها

ليتخذ بعضهم بعضا سخريا ۵

تا بگيرد بعضي از ايشان بعضي را بيكار داشتن

ورحمة ربك خير مما يجمعون

و بخشايش پروردگار تو بهتر است از آنچ گرد ميكنند

ولولا ان يكون الناس

و اگر نه مردمان باشند كه

امة وٰحدة لجعلنا لمن يكفر

گروهي يكي كردمي مر آنان را كه كافر شود

بالرحمن لبيوتهم سقفا من

بخداي و مر خانهاشان را سقفها از

فضة ومعارج عليها يظهرون

نقره و نردبانها كه بر وي بر شوند بانها

ولبيوتهم ابوٰبا وسررا عليها

و مر خانهاشان را درها و تختها بر وي

نصف

يَتَّكِئُونَ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ

تكيه زنند   وزر   ونيست   همه

ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا

انت مگر برخورداري زندگاني دنيا

وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

وآخرت   نزد   پروردگار هر پرهيزگاران

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ

وهر كه خويشتن كور سازد   از   يادكردن

الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ

خداي   برگماريم   مراورا   ديو   بس او

لَهُ قَرِينٌ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ

مراورا   يار بود   وهراينه ايشان   بازمي گردانند   شان را

عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ

از   راه   ومي پندارند   هراينه ايشان

مُهْتَدُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ

راه راست يافتگان تا چون آمد بما گويد

يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ

اي كاشكي ميان من وميان تو دوري

الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ۝

دو مشرق بس بد يار بيست

وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ

و هرگز سود نكند شما را امروز چون ستم كرديد شما

أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝

هر آئنه شما در شكنجه انباز يكديگريد

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي

او پس تو شنوايي كران را يا راه نمايي

الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ

نابينا را وهر كه بود در گمراهي

مبين فاما نذهبن بك فانا

بیدا — بس هر آینه یا ببریم هر آینه هر آینه ترا بس هر آینه ما

منهم منتقمون او نرينك الذي

از ایشان — داد ستانندگانیم — یا — نماییم ترا — آنکه

وعدناهم فانا عليهم مقتدرون

نوید دادیم شان — بس هر آینه ما — بر ایشان — توانایم

فاستمسك بالذي اوحي اليك

بس چنگ در زن — بآنکه — وحی فرستادیم — بسوی تو

انك على صراط مستقيم وانه

هر آینه تو — بر — راه — راست — و هر آینه او

لذكر لك ولقومك وسوف

قرآن پندستی مر ترا — و مر گروه ترا — و زود بود که

تسالون واسال من ارسلنا

پرسیده شوید — و بپرس — آنراکه — فرستادیم

من

26

مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا

از پیش تو از پیغامبران ما آیا کردیم ما

من ارسلنا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ

از جز خدای

آلِهَةً يُعْبَدُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

خدایان پرستیده شوند و بدرستی فرستادیم ما

مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ

موسی را بنشانهای ما سوی فرعون

وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ

و گروه وی بس گفت که من پیغامبر پروردگار

الْعَالَمِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا

جهانیانم بس چون آمد بایشان بآیتهای ما

إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ۝ وَمَا نُرِيهِمْ

ناگاه ایشان از آن میخندند و نه مینمودیم

ع

مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ

هيچ نشانه مگر وي بزرگتر از

أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ

مانند خويش وگرفتيم ايشانرا بشكنجه مگر ايشان

يَرْجِعُونَ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ

باز گردند وگفتند اي جادوگر بخوانا

ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ

از بهر ما پروردگار تو بانچه پيمان كرد نزد تو

إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ فَلَمَّا كَشَفْنَا

هر اينه ما راه راست گيرندگانيم پس چون گشاديم ما

عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

از ايشان شكنجه ناگاه ايشان شكنند عهده را

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ

خواند فرعون در گروه

قال

قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ

گفت اي گروه اذنيست مرا پادشاهي

مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ

مصر واين جويها ميرود از

تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ

زير قصرمن اوبس نبيند يا من بهترم

مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا

از اين آنكه خوارست ونه

يَكَادُ يُبِينُ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ

نزديك نيست كه سخن كشاده كويد بس چرا افكنده نشد برو

أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ

دست برنجن از زر يا چرا نه آمد با او

الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ فَاسْتَخَفَّ

فريشتكان بهم امدكان بس سبك دا

قومه فاطاعوه انهم كانوا

گروه خود را پس فرمان بردندش هر اینه ایشان بودند

قوما فاسقين فلما آسفونا انتقمنا

گروهی بیرون آمدگان از فرمان پس چون در خشم آوردند کینه کشیدیم

منهم فاغرقناهم اجمعين

از ایشان پس آب غرق کردیم ایشان را همه

فجعلناهم سلفا ومثلا للآخرين

پس کردیم ایشان را گذشتگان و داستان مر پسینیان را

ولما ضرب ابن مريم مثلا

و چون بیان کرده شد پسر مریم مانند

اذا قومك منه يصدون

ناگاه گروه تو ازو بخروش شدند

وقالوا ءآلهتنا خير ام هو

گفتند ا خدایان ما بهترند یا عیسی

مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ

نه بيان كردند آن مر ترا مثل مگر از بهر كار زار نه جه ايشان

قَوْمٌ خَصِمُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ

گروهي بيكار كنندگانيم نيست وي مگر بنده

أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي

نيكوئي كرديم بر آن و گردانيديم ما او را داستاني مر پسران

إِسْرَائِيلَ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا

يعقوب را و اگر خواهيمي گرديمي

مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ

بدل شما فريشتگان در زمين

يَخْلُفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ

پس شما ايستند و هر آينه او دانشي است مر قيامت را

فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا

بس به گمان مشويد هر آينه بدان و بس روي كنيد مرا اين

صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ

راهی راست و نه گرداند شمارا

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

دیو هر اینه او مر شمارا دشمنی بیداست

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ

و چون امد عیسی به حجتهای پیدا گفت

قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ

بدرستی آمدم شما به سخن درست و تا پیدا کنم

لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ

مر شمارا بعضی آنکه خلاف میکنند در وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ إِنَّ اللَّهَ

پس بترسید خدای و فرمان برید مارا هر اینه خدای

هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا

او پروردگار منست و پروردگار شما پس بپرستید اورا این

صرط

ب

صراط مستقيم فاختلف الاحزا

راه راست اختلاف کروهها

من بينهم فويل للذين ظلموا

از میان شان پس وای مر انان را که ستم کردند

من عذاب يوم اليم هل

از شکنجه روز دردناک هیچ

ينظرون الا الساعة ان

منتظر می باشند مکر قیامت که

تاتيهم بغتة وهم لا يشعرون

آید بدیشان ناکاه وایشان نه دانند

الاخلاء يومئذ بعضهم لبعض

دوستان آن روز بعض شان مر بعض را

عدو الا المتقين يا عباد

دشمنانند مکر پرهیزکاران ای بندکان من

ع

لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ

نه ترسيي برشما امروز ونه شما

تَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا

اندوهكين شويد آنانك كرويدند بايات ما

وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

وبودند كردن داد كان در بائيد در بهشت

أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ۝

شما وجفتان شما شاده كرديد

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ

كرداينده شود برايشان كاسها از زر

تشتهيه

وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ

وكوزها دسته ودرانجا آنچ آرزو برد ازا تنها

وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

ومزه يابد چشمها وشما دران جاودانه

وتلك

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا

وانت بهشت آنك ميراث داده شديد آنرا

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ

بآنچ شما كرديد مر شما را در آن ميوه

كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ إِنَّ

بسيار ازان مي خوريد همانا

الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

كناهكاران در شكنجه دوزخ جاودانه

لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

نه سست كرده شود ازايشان وايشان در وي نوميد باشند

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

وآنچ ستم كرديم ماشما را وليكن بودند

هُمُ الظَّالِمِينَ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ

ايشان ستمكاران وآواز كنند وكويند اي خازن

لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ
گو حکم کند بمرگ بر ما پروردگار تو گفت که شما
مَّاكِثُونَ لَقَدْ جِئْنَاكُم بِالْحَقِّ
باشندگانید در دوزخ بدرستی آوردیم بر شما براستی
وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ
و لیکن بیشتر شما مر راستی را دشوار دارکانند
أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ
یا استوار کردند کاری را بس هرآینه ما استوار کنندگانیم
أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ
یا می پندارند که هرآینه ما نمی شنویم نهانهای ایشان را
وَنَجْوَاهُم بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ
و رازهاشان را آری می شنویم و فرستادگان ما نزد ایشان می نویسند
قُلْ إِن كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا
بگو اگر باشد مر خدای را فرزندی بس من اول

أول العابدين ۝ سبحان رب

نخستین نکر داردکانیم باکست خداوند

السموات والارض رب العرش

آسمانها وزمین

عما یصفون ۝ فذ...

ازانچ نشان می دهند پس بکذ...

ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی

وبازی کنند تا ببینند آن روز را ایشان آنک

یوعدون ۝ وهو الذی فی السماء

نوید داده شدند واو آنست در آسمان

اله وفی الارض اله وهو الحکیم

خدایست ودر زمین خدایست واوست استوارکار

العلیم ۝ وتبارک الذی له ملک

دانا وپاینده است آنک مراورا پادشاه

فذرهم یخوضوا

السموات والأرض وما بينهما

آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است

وعنده علم الساعة واليه ترجعون

و نزد او دانش قیامت و سوی او باز گردانیده شوید

ولا يملك الذين يدعون من

و نه پادشاه باشند آنکه میخوانند از

دونه الشفاعة الا من شهد بالحق

جز او خواهش کری مگر آنکه گواهی داد براستی

وهم يعلمون ولئن سألتهم

و ایشان میدانند و اگر بپرسی ایشانرا

من خلقهم ليقولن الله فانى

که آفرید ایشانرا هر اینه گویند خدای پس چگونه

يؤفكون وقيله يا رب ان هؤلاء

گردانیده میشوند و گفتار وی ای پروردگار من هر اینه اینها

قوم لا

قوم لا يؤمنون فاصفح عنهم

گروهي اند كه ايمان نيارند پس روي گردان از ايشان

وقل سلام فسوف تعلمون

سورة الدخان مكية تسع وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداي مهربان بخشاينده

حم والكتاب المبين انا انزلناه

بحق نامه بيان كننده كه ما فرستاديم

في ليلة مباركة انا كنا

در شبي خجسته ما بوديم

منذرين فيها يفرق كل

بيم كنندگان از عذاب جدا كرده شود

أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَا

کاری استوار فرمانی از نزد ما

إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ رَحْمَةً مِّنْ

بدرستی که ما هستیم فرستندگان

رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پروردگار تو بدرستی که او اوست شنوا داناست

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

خداوند آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنتُم مُّوقِنِينَ

و آنچه میان ایشان اگر هستید شما بی گمانان

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ

نیست هیچ معبودی مگر او زنده کننده و میراند

رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

خداوند شما و خداوند پدران شما پیشینیان

بل هم

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ

بلکه ایشان در گمانی اند بازی میکنند

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ

پس چشم دار روزی که آرد آسمان دودی

مُبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ

پیدا بپوشد مردمان را این عذاب

أَلِيمٌ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ

دردناک ای پروردگار ما بگشای از ما شکنجه

إِنَّا مُؤْمِنُونَ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى

که ما گرویدگانیم از کجا بود ایشان را پند

وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ثُمَّ

و بدرستی آمد ایشان را پیغامبری پیدا پس

تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ

روی گردانیدند ازو وگویند آموزانیده شده دیوانه

إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ

هر اینه ما کشایندگان عذابیم اندکی هر اینه شما

عَائِدُونَ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ

باز گردندگانید روز گیریم گرفتنی

الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا

بزرگ [illegible] ما داستانندگانیم و بدرستی آزمودیم

قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ

پیش از ایشان گروه فرعون و آمد ایشان

رَسُولٌ كَرِيمٌ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ

پیغامبری بزرگوار که ادا کنید سوی من

عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ

بندگان خدای که من شما را پیغامبری

إِنِّي

أَمِينٌ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ

لا

استوار و که نه گردن کشی کنید بر خدای

آتيكم

آتِيكُم بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ وَإِنِّي

بی آرم حجتی پیدا و من

عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَن تَرْجُمُونِ

اندر خشیدم بپروردگار خود و پروردگار شما کی سنگسار کنید مرا

وَإِن لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ

و اگر نه استوار دارید مرا یکسو شوید از من

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ

پس خواند پروردگار خویش را که هر اینه اینگروه گناهکاران اند

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُم

پس گفت ببر بندگان مرا بشب هر اینه شما

مُّتَّبَعُونَ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا

بیم اینده گانید و بگذار دریا را آرامیده

إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ كَمْ تَرَكُوا

هر اینه ایشان لشکری اند فرو برده گانند چند بگذاشتند

من جنات وعيون

از بوستانها وچشمها

وزروع ومقام كريم ونعمة

وكشتها ومنزلها نيكو وخوش عيشى كه

كانوا فيها فاكهين كذلك

بودند درآن خوش ميوها خورنده همچنانست

وأورثناها قوما آخرين فما

ميراث داديمش گروهى ديگران بس

بكت عليهم السماء والأرض

گريست برايشان آسمان وزمين

وما كانوا منظرين ولقد

ونه بودند زمان دادگان وهرآينه بدرستى

نجينا بني إسرائيل من

از پسران يعقوب رهانيديم

العذاب

سرپاينيدم

باع

الْعَذَابِ الْمُهِينِ مِنْ فِرْعَوْنَ

شکنجه خوارکننده از فرعون

اِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ

که او بود گردن کش از گزاف کاران

وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى

و بدرستي بر گزيديم ايشانرا بر دانش بر

الْعَالَمِينَ وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ

جهانيان ودادیم شانرا از معجزها

مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ اِنَّ هَؤُلَاءِ

آنچ دروي آزمايش پيدا بود هرآينه انگروه

لَيَقُولُونَ اِنْ هِيَ اِلَّا مَوْتَتُنَا

هرآينه ميگويند نيست وي مگر مردن ما

الْاُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ

نخست بار ونه ما زنده کردگان

فَأتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان
أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَالَّذِينَ
آیا ایشان بهترند یا گروه تبع وآنانکه
مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ
از پیش ایشان بودند هلاک کردیم ما که ایشان
كَانُوا مُجْرِمِينَ ٣٧ وَمَا خَلَقْنَا
بودند گناهکاران ونه آفریدیم ما
هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
آنرا مگر براستی ولیکن بیشتر ایشان
لَا يَعْلَمُونَ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ
نه میدانند بدرستی روز جدا کردن
مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ يَوْمَ لَا يُغْنِي
میقاد ایشانست همه روزی که نه دور کند

السموات والارض وما بينهما لاعبين ما خلقناهما

مولی

مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا

دوستي از دوستي چيزي ونه

هُمْ يُنْصَرُونَ إِلَّا مَنْ

ايشان ياري كرده شوند مگر آنك

رَحِمَ اللهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ (الرَّحِيمُ)

بخشنود خداي كه هر اينه او بي همتا

الْحَكِيمُ إِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ

وهميشه بخشاينده هر اينه درخت زقوم

طَعَامُ الْأَثِيمِ كَالْمُهْلِ يَغْلِي

خوردنى بزه كاران همچو مس گداخته مي جوشد

فِي الْبُطُونِ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ

در شكمها همچو جوشيدن آب گرم

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ

گرفته شود بگيريد اورا بكشيد اورا بسوي ميانه

الْجَحِيمِ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَاسِهِ

دوزخ پس بریزند زبر سر او

مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ذُقْ

از شکنجه آب گرم گویند چش

اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

هر اینه تو توی بی همتا بزرگوارئی

اِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

هر اینه این آنست که بودی بشکا بی شدید

اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

هر اینه پرهیزکاران در باغها

وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ

وچشمها می پوشند از دیبا تنک

وَاِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ كَذٰلِكَ

و دیبا ستبر روی در روی یکدیگر همچنانست

مقام امین

وزو

يَدْعُونَ

وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ يَدْعُونَ

و جفت کنیم شان را

فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِينَ لَا

خوانند در آن بهمه میوه ایمنی

يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ

نه چشند در آن مرگ را مگر مردن

الْاُولٰى وَوَقٰهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

پیشین و نگاه دار شان را از شکنجه دوزخ

فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

تفضیل از پروردگار تو انست وی رستگاری

الْعَظِيمُ فَاِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ

بزرگ پس هر آینه آسان کردیمش بزبان تو

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ فَارْتَقِبْ

تا ایشان پند گیرند پس چشم دار

ایشان منتظر اند

انهم مرتقبون

سورة الجاثية مكية وهي سبع وثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای مهربان بخشاینده

حم تنزيل الكتاب من الله

بحق حلم و علم فرو فرستادن قران از خدای

العزيز الحكيم ان في السموات

بی همتا درست کار هر اینه در آسمانها

والارض لايات للمؤمنين

و زمین نشانهاست مر گرویدگان را

وفي خلقكم وما يبث من

و در آفرینش شما و آنچه پراکنده می شود از دابه

دابة آيات لقوم يوقنون

جنبنده نشانها مر گروهی را که بیگمان شوند

واختلاف الليل والنهار وما

و سپس یکدیگر شب و روز و آنچ

أنزل الله من السماء من

آسمان از

فرو فرستاد خدای از

رزق فأحيا به الأرض بعد

روزی پس زنده کرد بوی زمین را پس

موتها وتصريف الرياح آيات

مردن وی و گردانیدن بادها نشانها

لقوم يعقلون تلك آيات

مر گروهی را که دریابند بخرد آنست آیتها

الله نتلوها عليك بالحق

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ
پس بکدام سخن بس سخن خدای و نشانها

يُؤْمِنُونَ ۝ وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ
گروند وای مر هر دروغگوی

أَثِيمٍ ۝ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى
بزه کاری می شنود اینها خدای خوانده می شود

عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ
بروی پس از بیوسته بر شرکه بزرگ منش کشیده گوییکه

لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝
نه شنود ش بس بیر کن بشکنجه دردناک

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا
و چون داند از اینهاء ما چیزی

اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ
گیرد آنرا فسوس ... آن گروه ایشانرا است

عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ مِنْ وَرَائِهِمْ

شکنجه خوار کننده از پس ایشان

جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا

دوزخ است ونه دور کند از ایشان آنچ ورزیدند

شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

چیزی ونه آنچ گرفتند از جز

اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ

خدای دوستان ومرایشان شکنجه

عَظِيمٌ ۝ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ

بزرگ این راه نماینده است وانانک

كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ

کفر آوردند بانشانهاء خداوندشان مرایشانراست شکنجه

مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ۝ اللَّهُ الَّذِي

از عذابی دردناک خدای کسی است

سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ

رام کرد مر شمارا دریا تا بِرود کشتی

فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ

درو بفرمان او وتا بجویید از

فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

فضل او وتا شما سپاس دارید

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا

ورام کرد مر شمارا آنچ در آسمانهاست وآنچ

فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي

در زمین همه ازوی هر آینه در

ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

اندر آن نشانیها مر گروهی را که اندیشه کنند

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ

بگو مر آنان را که گرویدند تا درگذارند

للذين

1

(الذ)ين لا يرجون ايام الله

مر آنان را که نه ترسند از روزهاء عذاب خدای

ليجزي قوما بما كانوا

تا پاداش دهد مر گروهی را بآنج بودند

يكسبون من عمل صالحا فلنفسه

ورز میکنند هر که کند کاری نیک پس مر تن خود را

ومن اساء فعليها ثم الى

و هر که بدی کند پس بر وی است پس با

ربكم ترجعون ولقد آتينا

پروردگار شما باز گردانیده شوید و بدرستی بدادیم

بني اسرائيل الكتاب والحكم

فرزندان یعقوب را نامه و داوری

والنبوة ورزقناهم من الطيبات

و پیغامبری و روزی دادیم شان را از خوشیهاء

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

وبرتري داديم شانرا بر جهانيان

وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ

وبداديم شانرا حجتها از كاردين

فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا

پس نه خلاف كردند مگر از پس آنچ

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ

آمد شانرا دانش از بهر ستم كردن ميان ايشان

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

پروردگار تو حكم كند ميان ايشان روز قيامت

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ثُمَّ

در آنچ بودند در وي اختلاف كنندگان پس

جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ

از راهي بر

بينهم

الأمر فاتبعها ولا تتبع أهواء الذين

كاردين بس روي كن آنرا ونه بس روي كن كامهاء دل آنكه

لا يعلمون إنهم لن يغنوا عنك

نه دانند هر آينه ايشان هرگز نه دور كنند از تو

من الله شيئا وإن الظالمين

از خداي چيزي وهر آينه ستمكاران

بعضهم أولياء بعض والله ولي

بعضي از ايشان دوستان بعضي اند وخداي دوستدار

المتقين هذا بصائر للناس وهدى

پرهيزكاران است اين قران روشنها است مر مردمانرا وراه نمايد

ورحمة لقوم يوقنون أم حسب

وبخشودست مر گروهي را كه بيگمان اند يا پنداشتند

الذين اجترحوا السيئات أن

آنانكه ورزيدند بديها را

نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

كنيم شانرا همچو انانكه گرويدند وكردند

الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ

برابرست زندگانى شانرا ومرگ شان

سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ وَخَلَقَ اللهُ السَّمَوَاتِ

بدست آنچ حكم ميكنند وآفريد خداى آسمانها

وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ

وزمين براستي وتا باداش داده شود هر

نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

تني را بانچ ورزيدند وايشان نه ستم كرده شوند

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَيهُ

او بس ديدى انرا كه ساخت خداى خود كام دل خود را

وَأَضَلَّهُ اللهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى

وگمراه كردند خداى بر دانش وبمهر كرد بر

ع

سمعه

سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ

گوش هاء وی ودل وی وکرد بر بینایی او

غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللّٰه

پوششی پس که راه نمایدش از پس خدای

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا

او پس نه پند گیرند وگفتند نیست وی مگر

حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا

زندگانی این جهان می میریم ومی زییم ونیست

يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَٰلِكَ

نمیکند مارا مگر روزکار ونیست مر ایشانرا بانت

مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ۝ وَإِذَا

هیچ دانشی نیستند مگر گمان برندگان وچون

تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ

خوانده شود بر ایشان ایتهاء ما پیدا نه بود

حُجَّتَهُمْ اِلَّآ اَنْ قَالُوا ائْتُوا بِاٰبَآئِنَآ اِنْ

حجت ایشان مگر که گفتند بیارید پدران مارا اگر

كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيْكُمْ

هستید شما راست گویان بگوی خدای زنده کند شمارا

ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

پس بمیراند شمارا پس گرد آرد شمارا سوی روز رستخیز

لَا رَيْبَ فِيْهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا

نه شک اندرو و لیکن بیشترین مردمان نه

يَعْلَمُوْنَ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

دانند و مر خدایراست پادشاهی آسمانها

وَالْاَرْضِ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ

و زمین و روزی که برخیزد قیامت

يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُوْنَ وَتَرٰى كُلَّ

آن روز زیان کار شوند بیهده کاران و بینی هر امة

أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ

گروهی برانو نشسته هر گروهی خوانده شوی بسوی

كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ

نامه آن امروز باداش داده شوید آنچه بی

تَعْمَلُونَ هَٰذَا كِتَابُنَا يَنطِقُ عَلَيْكُم

کردید این نامه ما سخن گوید بر شما

بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ

براستی هر آینه ما بودیم ما که نسخه کردیم آنچه می

تَعْمَلُونَ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

کردید شما پس هر تقلید آنانکه گرویدند و کردند کارها

الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي

نیک پس در آرد ایشانرا پروردگار ایشان در

رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

بخشایش خود آن رستگاری پیدا

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي

و بر هر تقدير كه آنانك كفر آوردند آيا نبود آيتهاي من

تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا

خوانده ميشد بر شما پس گردن كشي كرديد شما و بوديد گروهي

مُجْرِمِينَ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ

گناهكاران و چون گفته شود كه نويد خداي

حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ

راست است و قيامت نه هيچ گمان پس روي نويديد

مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا

نه دانيم چيست قيامت نبرداشته گماني بريم مگر

ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ وَبَدَا لَهُمْ

گمان و نيستيم ما استوار دارندگان و بديد آمد مر اينانرا

سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا

بديهاء آنچه كردند فرود آمد بر ايشان آنچ بودند

به يستهزءون وقيل اليوم ننسيكم

بوی فسوس می کردند وگفته شد امروز فراموش دهیم شمارا

كما نسيتم لقاء يومكم هذا

چنانچه فراموش کردید جزاء روز شمارا این

ومأويكم النار وما لكم من

وجای بازگشت شما آتش است ونیست مر شمارا از

ناصرين ذلكم بأنكم

یاری گران انان بآنست که هرآینه شما

اتخذتم آيات الله هزوا وغرتكم

گرفتید آیتهای خدای را فسوس وبفریفت شمارا

الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون

زندگانی نزدیکتر پس امروز بیرون آورده نشوند

منها ولا هم يستعتبون فلله

ازان و ایشان را عذر خواسته نشوند پس مر خدای را

الحمد رب السموات ورب

ستايش كه پروردگار آسمانها و پروردگار

الارض رب العالمين وله

زمين است پروردگار جهانيان و مر او را

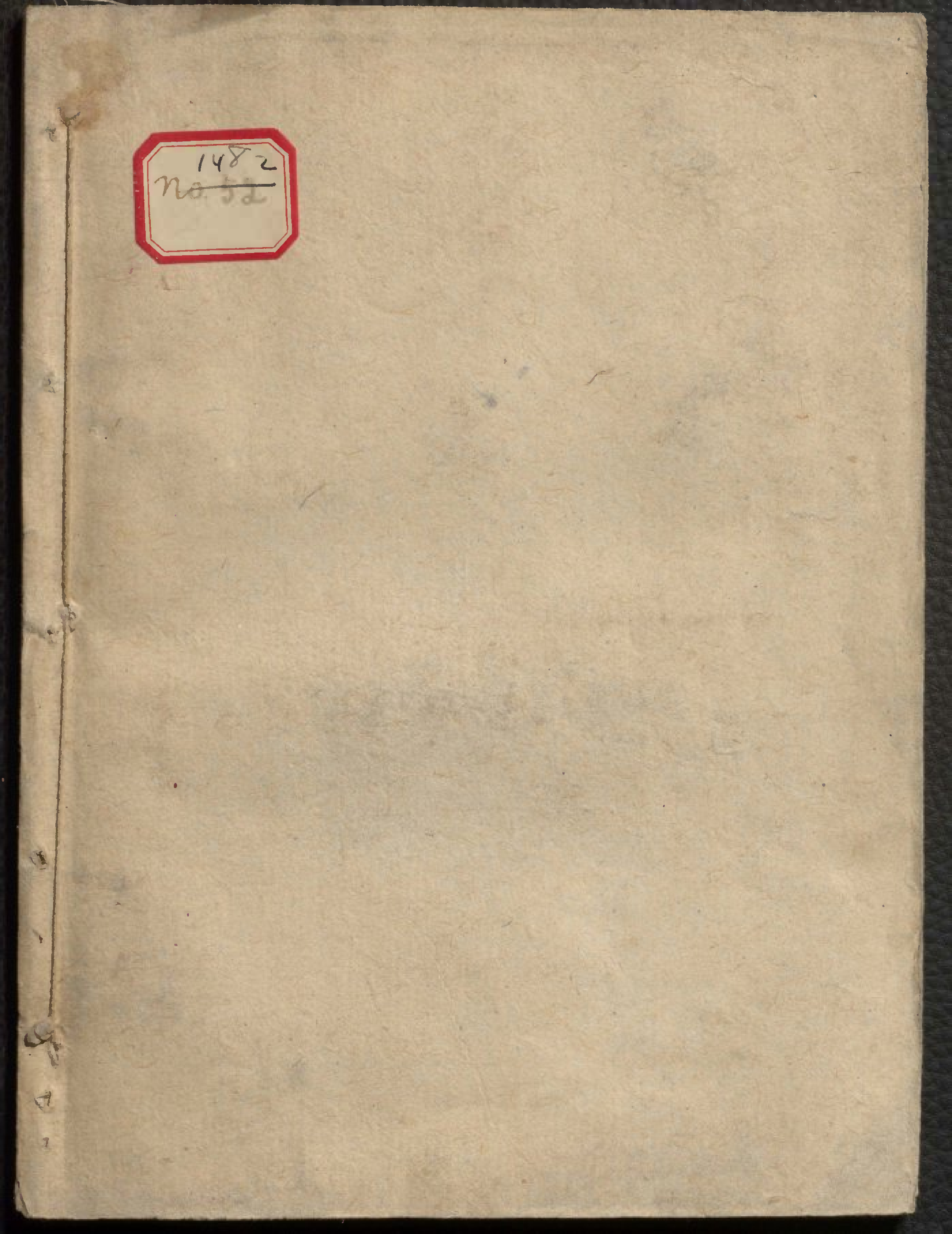
الكبرياء في السموات والارض

بزرگواري در آسمانها و در زمين

وهو العزيز الحكيم

و اوست بي همتا پروردگار

ره این جزو کلام مجید در وقت ... تعالی ما
بابت جزو دیگر ملک امداد به رحمت ... کار اضعف
عباد الله ... در دار کرم ... الحاطب الحضرت
عاکف ... الملک بن ... الملک متصرف ... قدرت الله
... عبد الغني ... الحاطب ...


1482
No. 52